



IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL  
 دادگاه داورى دعاوى ايران - ايالات متحده

ثبت شد - FILED

No. 51 51 شماره

Date 13 APR 1983 تاريخ

1362 / 1 / 24

حکم در مورد صلاحیت

حکم شماره: ITL 2 - 51 - FT

51-94  
51-94

پرونده شماره 51

موضوع: تفسیر عبارت " و به استثنای ادعاهای ناشی از قراردادهای تعهدآور فیما بین که در آن قراردادهای مشخصاً رسیدگی به دعاوی مربوط در صلاحیت انحصاری دادگاههای صالحه ایران، در پاسخ به موضوع مجلس باشد"، (بند ۱ ماده دوم، بیانیه حل و فصل دعاوی). رسیدگی به این امر توسط شعبه دوم به دیوان عمومی واگذار شده است.

طرفین: هالیبرتون کامپنی،

ایمکوسرویسز (انگلستان) با مسئولیت محدود،

خواهانها،

- و -

دورین / ایمکو،

جمهوری اسلامی ایران،

خوانندگان،

حاضرین:

آقای لارنس دابلیونیومن،

آقای چارلز کامینگز.

بیکرانده مکنزی، (وکلاى دعاوى) نیویورک، ان.وای. از طرف خواهانها

آقای آرتودالیو. رواین، نماینده رابط ایالات متحده آمریکا

و همچنین: آقای محمدکریم اشراق به عنوان نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران،

DUPLICATE ORIGINAL  
 نسخه برابر اصل

## بخش اول

### مقدمه :

بند ۱ ماده دوم بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر در مورد حل و فصل دعاوی فیما بین دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران ("بیانیه حل و فصل")، آندسته از "دعاوی ناشی از قراردادهای تعهدآور فیما بین راکه در آن ها مشخصا " رسیدگی به دعاوی مربوطه در صلاحیت انحصاری دادگاههای صالحه ایران در پاسخ به موضع مجلس باشد" از حیثه صلاحیت دیوان داوری مستثنی میازد.

شعبه دوم دیوان در مورد رسیدگی به این پرونده، منحصرأ از نظرات اتخاذتصمیم راجع به اینکه دعاوی مبتنی بر قراردادهای این پرونده که حاوی شرط حل و فصل اختلافات است مشمول مقررات فوق الذکر بیانیه حل و فصل میشود یا خیر، به نفع دیوان عمومی از خود سلب صلاحیت کرده است.

متعاقب دستورات مورخ ۱۵ آوریل و ۷ ژوئیه ۱۹۸۲ (۲۶ فروردینماه و ۱۶ تیرماه ۱۳۶۱)، طرفین لوایحی پیرامون موضوع صلاحیت تسلیم کرده اند که توسط شعبه دوم، به دیوان عمومی ارجاع شده است.

علاوه بر این در روزهای ۲۱ و ۲۲ ژوئن ۱۹۸۲ (۳۱ خرداد و اول تیرماه ۱۳۶۱) جلسه استماعی در این مورد برگزار گردید.

## بخش دوم

### قرارداد دوام

هالیبرتون کامپنی، یک شرکت خدماتی حوزه های نفتی است. در سال ۱۹۷۶، هالیبرتسون قراردادی جهت خرید ۲۵ درصد سهام یک شرکت ایرانی به نام دورین / ایمکو که ادعا میشود در حال حاضر تحت کنترل وزارت صنایع و معادن ایران است، منعقد نمود. به موجب شرایط این قرارداد، هالیبرتون مبلغ ۶ میلیون دلار (۶,۰۰۰,۰۰۰ دلار) به دورین / ایمکو داد. دورین / ایمکو سفته های به همین مبلغ امضاء نمود. طبق شرایط سفته دورین / ایمکو متعهد گردید که مبلغ مذکور را همراه با بهره مربوطه در ۶ قسط سالانه به هالیبرتون بازپرداخت نماید. هالیبرتون ادعا میکند که خواندگان هیچیک از مبلغ مورد دین طبق شرایط سفته را پرداخت نکرده اند.

هالیبرتون مدعی است که بعلاوه شش قلم به صورت نقدیه دروین / ایمکوپیش پرداخت کرده است که درقبال آنها دروین / ایمکوسفته ای بابت هرپیش پرداخت دروجه هالیبرتون امضاء کرده است . هالیبرتون طبق پرونده مدعی است که مبلغ پیش پرداخت های نقدی تا بحال بسلا پرداخت و معوق مانده است .

هریک ازسفته های یادشده حاوی شرط زیراست :

" درکلیه موارد مربوط به تفسیر ، اجرا یا دادخواهی برای پرداخت ، امضاء کنندگان این سفته ها صراحتاً " صلاحیت دادگاه های صالح ایران را می پذیرد ."

خواهان مدعی است که هالیبرتون نیازی ندارد که جهت تحصیل حکم بابت پیش پرداختهایی که کرده ، به سفته ها استناد نماید . بعلاوه ، ولو اینکه ادعا بر مبنای سفته ها صورت می گرفت ، شرط مندرج در سفته ها قایل به صلاحیت انحصاری برای دادگاه های ایران جهت حل و فصل کلیه اختلافات ناشی از سفته ها نمی بود . طبق اظهار خواهان ، این شرط ، دادگاه های ایران را صرفاً " بعنوان یکی از دادگت های انتخابی تعیین می کند که ذینفع سفته ها می تواند دعوی خود علیه متعهد سفته ها ، یعنی دروین / ایمکورادر آنها طرح نماید .

خوانندگان اظهار می دارند که این شرط انتخاب دادگاه صالح کلیه شروط مقرر در بند ۱ ماده دوم بیانیه حل و فصل دعاوی را تحقق بخشیده و بسا بر این ، ادعای مبتنی بر سفته ها را از حیطه صلاحیت دیوان داوری خارج می سازد .

دیوان داوری متذکر می گردد که بند یک ماده دوم بیانیه حل و فصل ادعاها ، دعاوی ناشی از قراردادهای راکه مشخماً " صلاحیت انحصاری دادگاه های صالح ایران را پذیرفته اند ، از حیطه صلاحیت دیوان داوری مستثنی می سازد . شرط مورد بحث در سفته ها این نکته را روشن می سازد که صرفاً " متعهد سفته است که بر صلاحیت دادگاه های ایرانی گردن می نهد . بنا بر این ، وام گیرنده قبول کرده است که از اعتراض نسبت به صلاحیت این دادگاه ها که در غیر این صورت میتواند به آن استناد ورزد ، صرف نظر کند ، لکن شرط یاد شده را نباید به نحوی معنی کرد که وام دهنده از حق تعقیب متعهد سفته نزد دادگاه صالحی خارج از ایران محروم است . لهذا این ماده ، شرایط ماده دوم بیانیه حل و فصل ادعاها را تامین نمی کند .

بنا به دلایل مشروحه بالا

دیوان داوری معتقد است که

شرط فوق الذکر مندرج در سفته‌ها در حیطه شمول قیاد استثنای مقرر در بند ۱، ماده دوم پیمانیه حل و فصل ادعاها قرار نمی‌گیرد. نتیجتاً " این شرط نافی صلاحیت دیوان داوری نسبت به دعاوی مبتنی بر سفته‌ها نیست .

### بخش سوم

#### قرارداد خرید

ادعای دیگر این پرونده از قرارداد ناشی می‌شود که بین ایمکوسرویز (انگلستان) با مسئولیت محدود، که ظاهراً " از شرکت های فرعی وکلا" در مالکیت هالیبرتون است، از یک طرف و دورین/ایمکوا از طرف دیگر بابت خرید مقدار معینی سولفات باریم طی یک دوره دوساله ("قرارداد خرید") منعقد شده است. طبق شرایط این قرارداد، ایمکوسرویز موافقت کرده که قیمت سولفات باریم را به دورین/ایمکوپیش پرداخت نماید. علاوه مقرر گردید که چنانچه تا تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیرماه ۱۳۵۹) ایمکوسرویز محموله سولفات باریم را دریافت نکند، کل پیش پرداخت مسترد گردد. ایمکوسرویز اظهار میدارد که محموله سولفات باریم را به نحو مقرر در قرارداد دریافت نکرده و نتیجتاً " مبلغ پیش پرداخت باید باز پرداخت می‌شده، لکن باز پرداخت نشده است .

قرارداد خرید حاوی شرط زیر است :

#### قانون حاکم و اختلافات

این قرارداد خرید مشمول قوانین ایران بوده و طبق همان قوانین تفسیر خواهد شد. در صورت بروز هرگونه اختلاف در رابطه با این قرارداد خرید که به نحو دوستانه بین طرفین حل و فصل نشود با رجوع به دادگاههای ایران حل و فصل خواهد شد.

طبق این ماده قرارداد، کلیه اختلافات ناشی از قرارداد خرید، چنانچه به نحو دوستانه حل نشود، باید به دادگاههای ایران ارجاع گردد.

نتیجتاً، " صرف عبارت این ماده، شرایط مندرج در ماده دو پیمانیه حل و فصل دعاوی را تحقق می‌بخشد که چنانچه ادعای از یک قرارداد منعقد بین طرفین ناشی شود که در آن " مشخصاً "

اختلافات فیما بین در صلاحیت انحصاری دادگاههای صالح ایران قرار گرفته باشد، در آن صورت چنین ادعائی از حیث صلاحیت دیوان داوری خارج خواهد بود. البته، بیانیه حل و فصل در عین حال مقرر میدارد که قرارداد مورد بحث باید تعهدآور باشد و خواهان مدعی است که کلمه تعهدآور، ناظر است به قید مربوط به انتخاب دادگاه صالح در قرارداد. بعلاوه، خواهان اظهار میدارد که قید مربوط در قرارداد دخرید و نیز قیود مشا به در کلیسای قراردادها، دیگر نیز علیرغم نحوه انشاء آنها، به مفهوم تعهد الزام آور در قبول صلاحیت انحصاری دادگاههای ایران، به دلیل دگرگونیهای اساسی که در ایران از زمان انعقاد قرارداد حادث شده، نیست.

لکن، دیوان داوری این نظر را نمیپذیرد. عموماً "وظیفه این دیوان یا هر دیوان داوری این نیست که راجع به قابلیت اجرای قید انتخاب دادگاه در قراردادها تصمیم بگیرد. اگر طرفین از این دیوان میخواستند که راجع به قابلیت اجرای قیود قراردادها که مشخصاً "ناظر بر صلاحیت انحصاری دادگاههای ایران است، تصمیم بگیرد، قاعدتاً "میبایست ایسین تمایل را بنحو صریح و بدون ابهام مطرح میکردند. بنابراین، دیوان داوری اگر چه دارد که در غیاب اجازه و اختیار صریحی از طرف بیانیه الجزایر، چنین وظیفه ای را بپذیرد.

از نحوه انشاء بند ۱ ماده دوم بیانیه حل و فصل ادعاها اینطور استنباط میشود که عبارت "قرارداد لازم الاتباع" ناظر بر کل قرارداد است تا صرفاً "ناظر بر قید انتخاب دادگاه". بنا اینکه میتوان کلمه "قرارداد" را بنحوی تفسیر کرد که صرفاً "ناظر بر یک قید در یک قرارداد باشد، محتمل بنظر میرسد که چنانچه نظر طرفین بر چنین تفسیری میباشد، در آن صورت متن قرارداد را به نحوی تنظیم میگردند که مشخصاً "ناظر بر یک قید قابل اجرا در مورد انتخاب دادگاه صالح و متضمن صلاحیت انحصاری دادگاههای ایران باشد. بنابراین، عبارت متن مبهم است و لذا دیوان داوری ناگزیر است به ادله دیگری غیر از متن قرارداد جهت کشف قصد طرفین مراجعه کند تا تعیین نماید که علیرغم ابهام عبارت مورد بحث، طرفین در مورد مفهوم آن توافق داشته بودند یا خیر.

شرایط حاکم بر تدوین ماده دوم بیانیه حل و فصل و نیز متن خود ماده، به روشنی حاکی است که شرط مربوط به مستثنی ساختن پاره ای ادعاها از حیث صلاحیت دیوان داوری، از یک سو به معنی کوشی است در جهت تأمین نظر مذاکره کنندگان آمریکائی در تعدیداد منته قید مربوط به سلب صلاحیت، و از سوی دیگر به معنی تأمین درخواست مذاکره کنندگان ایرانی است در مستثنی

کردن ادعاهای خاص در پاسخ به موضع مجلس (شورای اسلامی) در مورد ادعاهای مبتنی بر قراردادها و ادعاهای که در آنها حل و فصل اختلافات ناشیه به دادگاههای صالح ایران واگذار شده است. معذالک، شواهد و دلایل کافی دایر بر اینکه دولت در مورد معنای کلمه "تعهدآور" به توافق رسیده باشند، در دست نیست قصد و منظور مذاکره کنندگان آمریکایی در این مسورد، در شهادتنامه معاون وزارت خارجه سابق آمریکا، وارن کریستوفر توضیح داده شده است، لکن این شهادتنامه از نظر درجه وضوح اعلام قصدیه میانجیهای الجزایری - به دلیل عدم ارتباط مستقیم بین مذاکره کنندگان ایرانی و آمریکایی - مبهم است " آقای کریستوفر میگوید که در تاریخ ۱۷ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۷ دیماه ۱۳۵۹) پیشنهاد کرد که کلمه "تعهدآور" افزوده شود، و آنگاه اضافه می کند:

وقتی که من این پیشنهاد را با آقای بن یحیی بررسی می کردم، متوجه شدم که ایشان بلافاصله متوجه اهمیت این کلمه جدید در این ماده شدیدیه این معنی که این کلمه دست دیوان داور را بازمی گذارد که تصمیم بگیرد که شرط معینی در قرارداد از نظر طرفین و دیوان داور تعهدآور هست یا خیر و ایشان مشخصاً " سؤال کردند که آیا دولت ایالات متحده روی کلمه "تعهدآور" مصراست یا خیر، من پاسخ دادم که بله، ما اصرار داریم و این کلمه را ضروری میدانیم و آقای بن یحیی هم هیچ اعتراضی نکرد.

آقای کریستوفر میگوید که آقای بن یحیی متوجه " اهمیت کلمه جدید" شد، لکن ایشان نمیگویند که قصد و منظور عبارت مبهم " قرارداد تعهدآور" در ارتباط با قابلیت اجرای قیدانتخابات دادگاه صالح نیز مفهوم بود و به مذاکره کنندگان ایرانی ابلاغ شد یا خیر.

از سوی دیگر، چنانچه عبارت "قرارداد تعهدآور"، را به نحوی تفسیر کنیم که ناظر بر ما هیست الزام آور کل قرارداد باشد، در آن صورت دیوان داور با یک دور باطل مواجه خواهد شد، زیرا که فیالمثل، چنانچه ادعا شود که قرارداد به دلیل تقلب باطل است، دیوان داور ناچار است جهت تصمیم راجع به صلاحیت خود، وارد ماهیت دعوا شود، لکن در عین حال مجاز نیست وارد ماهیت دعوا شود مگر آنکه صلاحیت خود را به ثبوت رسانده باشد. بنا بر این، هیچیک از دو تفسیر ممکن، در مضمون حاضر، به کلمه "تعهدآور" معنای معقولی نمیبخشد و بنا بر این دیوان داور اینطور نتیجه گیری می کند که این کلمه زائد است.

بنا به دلایل مذکور در فوق :

دیوان داور معتقد است که :

شرط مورد بحث در قرارداد خرید در حیطه شمول قیاد استثنای دادگاه صالح مقرر در بند ۱ ماده دوم بیانیه حل و فصل ادعاها قرار می‌گیرد. نتیجتاً "تصمیم دیوان داوری اینست کسه نسبت به دعای درجی که مبتنی بر قرارداد خرید باشند، صلاحیت رسیدگی ندارد.

اینکه دعای موضوع این پرونده تا چه حدودی مبتنی بر این قرارداد بوده و نتیجتاً "از صلاحیت دیوان داوری خارج است و اینکه همین دعای تا چه حد بر قرارداد های دیگر مبتنی هستند و یا بر قرارداد مبتنی نیستند و در نتیجه در حیطه صلاحیت دیوان داوری قرار می‌گیرند، مسئله‌ای است که باید توسط شعبه دوم، یعنی شعبه‌ای که دعوا به آن ارجاع شده، تصمیم گرفته شود.

---

پرونده جهت ادا مه رسیدگی به شعبه دوم ارجاع می‌گردد.



*گونا گونا گونا*

گونا گونا گونا

(رئیس)

به نام خدا

*محمد علی*

محمود م. کاشانی  
نظر مخالف نسبت به بخش دوم

*Pils Kunguid*

نیلان منگارد

*Se Li*

سی سیرلیه  
مخالف نسبت به بخش دوم

به نام خدا

*George H. Alford*

جورج ایچ. آلفرد

*Shafiq Shafiq*

شفیع شفیع  
نظر مخالف نسبت به بخش دوم

*Howard M. Holtzman*

هوارد ام. هولتزمن  
نظر موافق نسبت به بخش دوم  
نظر مخالف نسبت به بخش سوم

به نام خدا

*Mustafa Jahanگیر ثانی*

مصطفی جهانگیر ثانی  
نظر مخالف نسبت به بخش دوم

*Richard M. Masak*

ریچارد ام. ماسک  
نظر موافق نسبت به بخش دوم  
نظر مخالف نسبت به بخش سوم